

تبیین مصادیق «أهل البيت» در آیه تطهیر و نقد دیدگاه آلوسی

* میثم دوست محمدی

** رضا نوروزی

چکیده

آیه تطهیر یکی از بحث برانگیزترین آیات قرآن در میان مفسران فریقین است. شیعه بنا بر روایات متواتر پیامبر ﷺ، مصادیق «أهل البيت» موجود در این آیه را منحصر در پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین می‌داند. اما آلوسی از مفسران اهل سنت به مقتضای سیاق آیات و برخی احادیث پیامبر (ص) دایره مصادیق «أهل البيت» را وسیع‌تر و شامل همسران و فرزندان و نزدیکان پیامبر ﷺ و حتی اقطاب صوفیه می‌داند. در این مقاله، با بررسی شرایط کاربرد سیاق در تفسیر و بررسی روایات پیامبر ﷺ از دیدگاه علمای اهل سنت، انکار انحصار مصادیق اهل بیت در اصحاب کساء مورد نقد قرار گرفته و با استفاده از احادیث صحیح موجود در منابع اهل سنت، انحصار مصادیق این آیه در اهل کساء ثابت شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۳ احزاب، آیه تطهیر، اهل بیت، آلوسی، اصحاب کساء.

mdoostmdoost@gmail.com

r.nourouzy@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۸

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۱

طرح مسئله

آیه تطهیر؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳)، از جمله آیاتی است که در تفسیر آن میان اندیشمندان جهان اسلام مناقشات مختلفی صورت گرفته است. در دیدگاه شیعه و اهل سنت این آیه در مقام اثبات فضیلت ویژه‌ای برای عده خاصی به عنوان «اهل‌البیت» است، به اعتقاد شیعه پیامبر ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ و حسنین ﷺ مصادیق انحصاری اهل‌بیت هستند و این آیه در مقام اثبات عصمت آنها وارد شده است. خدای متعال به اراده تکوینی خود خواسته است که هر گونه آلودگی و پلیدی را از این ذوات مقدس دور نماید و آنان را از کلیه خطاها و اشتباهات در امان دارد.

دیدگاه اهل‌سنت در خصوص مصادیق این آیه متفاوت است. برخی این آیه را مختص به همسران پیامبر ﷺ دانسته و برخی دیگر آن را شامل پیامبر ﷺ و همسران و فرزندان آن حضرت دانسته‌اند. اما آلوسی، مفسر و فقیه اهل‌سنت، در تفسیر خود به مخالفت با دیدگاه شیعه و اهل‌سنت می‌پردازد. او ادعای انحصار مصادیق آیه تطهیر در همسران پیامبر ﷺ را مردود می‌داند. وی معتقد است آیه تطهیر شامل پیامبر ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ و حسنین ﷺ است اما این آیه منحصر در این ذوات مقدس نیست و شامل همسران و فرزندان پیامبر ﷺ و خویشاوندان آن حضرت، که زندگی کردن آنها با پیامبر ﷺ در یک خانه زشت و قبیح نباشد، نیز می‌گردد. بر این اساس، از منظر او اقطاب صوفیه، مانند عبدالقادر گیلانی، نیز از جمله اهل‌بیت به‌شمار می‌روند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۰۰ - ۱۹۴)

برخی محققان شیعه در نقد دیدگاه آلوسی مطالب مختلفی را مطرح نموده‌اند (حیدری، ۱۴۲۴: ۲۳۶ - ۲۳۲؛ قزوینی، ۱۴۲۰: ۴۲۶ - ۴۱۳؛ فکری، ۱۳۸۴: ۲۲۸ - ۲۱۶) و در این زمینه مقاله‌ای نیز به رشته تحریر درآمده است (حسن‌وندی و اکبرنژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۸ - ۱۱۱) اما به‌نظر نگارندگان با توجه به اینکه آلوسی دیدگاه‌های متعددی را در تفسیر این آیه مطرح کرده است و برای هر کدام دلایل مختلفی به‌صورت نامنظم آورده و در آخر، همه آنها را مردود دانسته و دیدگاه خود را با ادله دیگری مطرح می‌کند، این امر موجب صعوبت در تشخیص دیدگاه برگزیده آلوسی و موجب خطای برخی از محققان در تشخیص ادله مرتبط با دیدگاه وی گردیده است تا جایی که در بعضی نوشته‌ها در عوض نقد ادله دیدگاه او، به نقد ادله نظرات مرجوح پرداخته‌اند (همان)،^۱ از این‌رو لازم است با تبیین دیدگاه آلوسی و ادله آن، به نقد و بررسی دقیق آن پرداخته شود. در این

۱. نگارنده مقاله مذکور، هر چند که دیدگاه آلوسی در تبیین مصادیق «اهل‌البیت» را به‌درستی تشخیص داده است، اما در تشخیص ادله آلوسی بر اثبات دیدگاه خود، موفق نبوده و به اشتباه ادله مدعیان انحصار مصادیق «اهل‌البیت» در همسران پیامبر ﷺ را نقد کرده است. آلوسی هر چند ادعای این دسته از مفسران را در ذیل آیه مطرح می‌کند و شواهدی در تأیید آن می‌آورد اما در ادامه، این ادله و شواهد را مردود دانسته است.

نوشتار سعی شده که با توجه به منابع روایی اهل سنت و اقوال علمای آنها، در ضمن نقد دیدگاه آلوسی، به تبیین تفسیر صحیح آیه تطهیر و مصادیق آن پرداخته شود.

دیدگاه آلوسی در تفسیر آیه تطهیر

آلوسی در ذیل آیه تطهیر به شکل تفصیلی به بیان دیدگاه‌های مختلف مفسران پرداخته و آنها را نقد نموده است. او به نقد دیدگاه شیعه در مورد مصادیق «أهل البیت» و دلالت آن بر عصمت آنها می‌پردازد. وی با رد دیدگاه شیعه مدعی خویش را، که تا حدی شبیه به نظر مشهور مفسران اهل سنت است، با ادله‌ای به‌ظاهر قانع‌کننده اثبات می‌کند.

مراد از «أهل البیت» در آیه تطهیر

آلوسی معتقد است «أهل البیت» مختص به اهل کساء نبوده و شامل افراد دیگری نیز می‌شود. وی در این باره می‌گوید هرکسی که نسبت نزدیک و رابطه قوی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته باشد به‌گونه‌ای که از جهت عرفی سکونتش با آن حضرت در یک خانه زشت و قبیح نباشد، مصداق اهل بیت خواهد بود که با این ملاک همسران و فرزندان آن حضرت و اهل کساء مقصود این آیه می‌شوند. (همان: ۱۹۹)

آلوسی با پذیرش برخی مطالب مطرح شده از سوی افرادی مانند ابن حجر هیتمی (هیتمی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۲۵) به رد انحصار «أهل البیت» در اهل کساء می‌پردازد. این افراد معتقدند که مراد از «البیت» در این آیه، خانه محل سکونت پیامبر صلی الله علیه و آله است و مقصود از آن «خانه نبوت و رسالت» نیست. به عقیده آنها «أهل البیت» شامل هر فردی می‌شود که رابطه نزدیکی با این خانه داشته باشد. این رابطه نزدیک یا به این صورت است که در آن خانه سکونتش دائمی و به اداره خانه و رسیدگی به امور آن می‌پردازد، مانند همسران، یا به این صورت است که فقط در آن خانه سکونت دائم دارد و به اداره و رسیدگی به امور منزل کاری ندارد، مانند فرزندان و یا اینکه رابطه خویشاوندی نزدیکی با صاحب‌خانه دارد که معمولاً بدون دعوت، به آن خانه رفت و آمد می‌کند و کسی مانع او نمی‌شود، مانند فرزندان که دیگر در آن خانه ساکن نیستند و نوه‌ها. (همان: ۱۹۵)

آلوسی برای ادعای خود دو دلیل دارد: ۱. اقتضای سیاق آیات؛ ۲. احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

دلیل اول: سیاق آیات

قواعد و عوامل متعددی برای شناخت معنا و مفهوم یک متن وجود دارد. برخی از این قواعد در آغاز ظهور تفاسیر، برای شناخت معانی عبارت‌های قرآنی در بین مفسران متداول بوده است اما برخی از این قواعد هنوز به شکل یک قاعده دارای تعریف مشخص و شرایط و ضوابط معین در نیامده بود. یکی از این قواعد که

دارای اهمیت فراوانی است، قاعده سیاق است. (عبدالله، ۱۴۲۳: ۸۷۷ - ۸۳۷) سیاق؛ یعنی برای شناخت معنای یک جمله از یک متن، همه آن متن باید در نظر گرفته شود و آن جمله باید در ضمن آن متن معنا شود و الفاظ آن جمله با توجه به جملات دیگر آن متن، معنایی و مصداق‌شناسی شود. (عروی، ۱۴۲۸: ۷۹)

آلوسی مدعی است که سیاق آیات بیانگر این است که آیه تطهیر شامل همسران پیامبر ﷺ نیز می‌شود و پیامبر ﷺ باید اشخاص دیگری که مصداق این آیه هستند و سیاق آیات بیان‌کننده ورود آنها در دایره اهل‌بیت نیست را نام برد تا معنای آیه به‌طور کامل واضح شود. از همین رو پیامبر ﷺ در احادیث متعددی حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین را داخل در مصادیق این آیه اعلام کرده است. بنابراین عدم تصریح پیامبر ﷺ به داخل بود همسرانش در مصادیق اهل‌بیت به این دلیل است که بنابر ظهور سیاق آیات، مسلم است که همسران پیامبر ﷺ جزء اهل‌بیت هستند و دیگر نیازی به تکرار و تأکید بر آن نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۶ - ۱۹۵)

آلوسی هر چند که می‌داند معنای لغوی «أهل» مطلق بوده و شامل همسران و فرزندان و نزدیکان می‌شود اما در مقام استدلال بر مدعای خویش، به قول لغویین استناد نمی‌کند؛ زیرا همان‌گونه که ابن‌قیم (م ۷۵۱ ق) نیز تصریح کرده است، سیاق می‌تواند عام را تخصیص زند و مطلق را مقید کند و موجب خروج برخی از مصادیق از دایره حکم شود. (جوزیه، بی‌تا: ۴ / ۹) بنابراین آلوسی باید برای تعیین معنای این لفظ و اثبات ادعای خود به سیاق آیه تمسک کند.

بررسی و نقد

در پاسخ به این ادعای آلوسی باید گفت هر چند تمسک به سیاق در تبیین معانی آیات قرآن در نزد مفسران بسیاری مانند طبری (طبری، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۸۹)، احمد بن علی رازی (رازی، ۱۴۱۵: ۲ / ۵۸۶)، شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۵۰۹)، طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۷۰۲)، قرطبی (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۰ / ۳۳)، بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۳۴۳)، نسفی (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۹۳)، ابوحیان اندلسی (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۹۴)، ابن‌کثیر (دمشقی، ۱۴۱۹: ۴ / ۳۳۸)، زرکشی (زرکشی، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۰۰؛ همان، ۱۴۱۴: ۸ / ۵۴) مورد پذیرش واقع شده است و آن را در جهت شناخت مفهوم آیات به‌کار برده‌اند و حتی آن را به‌عنوان مرجحی برای برگزیدن قول برتر از میان اقوال متعدد استفاده کرده‌اند، اما هیچ‌گاه استفاده از سیاق را بی‌قید و شرط و بدون ضابطه نپذیرفته‌اند. در گذشته مفسران به شکل مجزا به تبیین شرایط و ضوابط استفاده از سیاق نپرداختند اما در خلال تفسیر خود به برخی از احکام و شرایط آن اشاره کرده‌اند.

طبری که تفسیر او از جمله کهن‌ترین تفاسیری است که به استفاده از قاعده سیاق اهمیت داده است (کنعانی، ۱۳۸۴: ۳۴) تمسک به سیاق برای کشف معنای آیات را مختص به جایی می‌داند که دلیل معتبری برخلاف آن وجود نداشته باشد، اما در جایی که دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد آن دلیل مقدم بر سیاق

می‌شود. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۵۸۸) به عقیده وی دلالت ظاهر آیات دیگر، حدیث صحیح از پیامبر ﷺ (همان: ۹ / ۳۸۹) و اجماع امت (همان: ۱۵ / ۲۳ / ۴ / ۵۸۸) دلیل‌های معتبری هستند که در تعارض با سیاق بر آن مقدم می‌شوند.

زرکشی نیز معتقد است که در تفسیر آیات اگر حدیث معتبری از پیامبر ﷺ در ذیل آن وجود داشته باشد باید به آن تمسک جست و در صورت فقدان حدیث به اقوال صحابه و در نبود آن به تفسیر تابعین رجوع شود. وی تمسک به سیاق را در جایی می‌داند که هیچ یک از موارد مذکور وجود نداشته باشد. (زرکشی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۷۲) سیوطی نیز این مطلب را از او نقل می‌کند و آن را می‌پذیرد. (سیوطی، ۱۳۹۴: ۴ / ۲۲۱)

سلیمان بن عبدالقوی طوفی (م ۷۱۶ ق)، عالم و محقق حنبلی، نیز معتقد است که چنانچه احادیثی از پیامبر ﷺ در ذیل آیات وجود داشته باشد که با مقتضای سیاق آیات در تعارض باشد، آن روایات مقدم بر سیاق می‌شوند و آن سیاق فایده‌ای نخواهد داشت. (طوفی، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۱۰)

در آیه تطهیر نیز از طرفی سیاق آیات دلالت می‌کند بر اینکه «اهل البیت» شامل همسران پیامبر ﷺ می‌شود اما از سویی دیگر روایات متعددی از پیامبر اکرم ﷺ در ذیل این آیه شریفه وجود دارد که «اهل البیت» را به‌گونه‌ای تفسیر کرده است که شامل همسران او نمی‌شود بلکه مختص به اهل کساء است، بنابراین با توجه به این گفتار مفسران، برای شناخت معنای این آیه نمی‌توان به سیاق آیات متمسک شد بلکه باید از روایات صحیح و معتبر پیروی کرد. برخی از محققان معاصر نیز سیاق آیات را دلیلی بر اینکه «اهل البیت» شامل همسران پیامبر ﷺ نیز می‌شود، آورده‌اند (نخبه من علماء التفسیر، ۱۴۳۱: ۶ / ۱۱۱) که با توجه به مطالب گذشته پاسخ به ادعای آنها نیز روشن گردید؛ زیرا در جایی که روایات مطلبی را بر خلاف آنچه که از سیاق فهمیده می‌شود بیان کنند، باید روایات را بر سیاق آیه مقدم نمود و آیه را بر اساس مفاد روایات تفسیر کرد. در مباحث پیش‌رو روایات صحیحی که برخلاف مفاد سیاق، آیه تطهیر را منحصر در پنج ذات مقدس می‌داند را بیان می‌کنیم.

دلیل دوم: احادیث پیامبر ﷺ

آلوسی معتقد است که روایات پیامبر ﷺ در ذیل آیه تطهیر دلالت بر انحصار نمی‌کند و مصادیق «اهل البیت» منحصر در اهل کساء نیست. وی برای اثبات ادعای خود به احادیثی اشاره می‌کند که پیامبر ﷺ افراد دیگری را نیز در دایره اهل بیت داخل نموده و آنها را جزء اهل بیت خود به‌شمار آورده است.

بررسی و نقد

در پاسخ به این ادعای آلوسی باید یادآور شویم که اولاً؛ روایات مورد ادعای وی تعارضی با انحصار موجود در

روایات اصحاب کساء ندارد و نمی‌تواند انحصار فهمیده شده از رفتار و گفتار پیامبر ﷺ را از بین ببرد؛ زیرا اگر فرق میان کاربرد «اهلبیت» در معنای لغوی و عرفی آن با کاربرد آن در اصطلاح قرآنی موجود در این آیه معلوم گردد وجه جمع میان این روایات واضح می‌شود. ثانیاً؛ چنانچه این وجه جمع مورد قبول واقع نشود و تعارض دلالتی میان این روایات، مستقر دانسته شود، باید روایات دال بر انحصار را مقدم کرد و روایات معارض آن را کنار نهاد؛ زیرا تعداد روایات نافی انحصار بسیار کم است و از جهت سندی نیز با مشکلات متعددی مواجه‌اند بنابراین نمی‌توانند در برابر روایات متواتری که اسناد صحیح و ظهور در انحصار دارند مقاومت کنند و اگر روایت صحیحی در نفی انحصار وجود داشته باشد، خبر واحد بوده و روایات متواتر بر آن مقدم می‌شوند. (حیدری، ۱۴۲۴: ۲۳۸)

در اینجا لازم است برای پاسخ تفصیلی به ادعای آلوسی به بیان روایات مورد استناد او و نقد و بررسی آنها پرداخته شود.

روایت اول

آلوسی می‌گوید روایت امسلمه به شکل‌های مختلفی نقل شده است که در برخی از این نقل‌ها هنگامی که امسلمه از پیامبر ﷺ سؤال می‌کند که آیا من هم از اهلبیت تو هستم؟ پاسخ پیامبر ﷺ با چنین عباراتی بیان شده است: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ» (ترمذی، ۱۳۹۵: ۵ / ۶۹۹؛ ابویعلی، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۴۵۱) و «أَنْتَ مِنْ صَالِحِي نِسَائِي» (آجری، ۱۴۲۰: ۴ / ۲۰۹۵) و «أَنْتَ زَوْجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِلَيَّ - أَوْ عَلَيَّ - خَيْرٌ» (طبرانی، بی تا: ب: ۳ / ۵۴) و «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ، إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (اصبهانی، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۲۲۲) و اجازه ورود به کساء را به او نمی‌دهند و او را جزء همسران خود می‌شمارند نه اهلبیت، اما در برخی دیگر از نقل‌ها، پیامبر ﷺ در جواب سؤال امسلمه با عبارت «بَلَى، فَادْخُلِي فِي الْكِسَاءِ» (شیبانی، ۱۴۲۱: ۴۴ / ۱۷۳؛ همان، ۱۴۰۳: ۲ / ۶۸۵) به او پاسخ مثبت داده و او را به جمع اهلبیت خود داخل می‌کنند و در نقلی دیگر، وی را در زمره اهلبیت دانسته است: «فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمَا أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؟» قَالَ: «بَلَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى». (بیهقی، ۱۴۲۴: ۲ / ۲۱۴)

از دیدگاه آلوسی این نقل‌های متفاوت هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند؛ زیرا همان‌طور که محب‌الدین طبری (م ۶۹۴ ق) با توجه به قرائنی معتقد است که این واقعه در خانه امسلمه تکرار شده است (طبری، ۱۳۵۴: ۲۲)، می‌توان گفت که در برخی دفعات پیامبر ﷺ او را از اهل خود دانسته‌اند و در کساء داخل کردند و در دفعات دیگر چون با توجه به سیاق آیات مسلم بوده است که همسران پیامبر ﷺ نیز جزء اهلبیت هستند، دیگر نیازی به ورودش به کساء نبوده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۶)

اشتباه ایشان در این است که در تعارض بین روایاتی که امسلمه را داخل در اهل بیت ندانسته و بین مقتضای سیاق آیات، که ظهور در حضور همسران پیامبر ﷺ در مصادیق «أهل البيت» دارد، مقتضای سیاق آیات را مسلم گرفته و آن را مقدم بر آن روایات معارض می‌کند و روایات معارض را به گونه‌ای معنا می‌کند که کاملاً مطابق با مقتضای سیاق آیات باشند؛ در حالی که همان‌طور که اشاره کردیم علمای تفسیر معتقدند در تعارض بین سیاق و بین روایات پیامبر ﷺ، باید روایات را بر سیاق مقدم کرد و در این حالت سیاق فایده‌ای نخواهد داشت.

از طرفی دیگر ادعای ایشان در مورد معنای روایاتی که در آن اجازه ورود لمه به کساء داده نشده است با فهم خود امسلمه از پاسخ پیامبر ﷺ تعارض دارد؛ زیرا ابوبکر آجری (م ۳۶۰ ق) با سند معتبر نقل می‌کند که امسلمه پس از نقل پاسخ پیامبر ﷺ که فرمودند: «أَنْتِ مِنْ صَالِحِي نِسَائِي» می‌گوید: «فَلَوْ قَالَ: «نَعَمْ» كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَطَّلَعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ» (آجری، ۱۴۲۰: ۴ / ۲۰۹۵)؛ یعنی اگر حضرت در پاسخ سؤال من که پرسیدم: آیا من نیز جزء «أهل البيت» هستم؟ می‌فرمودند: «بله»، برای من با ارزش‌تر از آنچه که خورشید بر آن می‌تابد، بود. واضح است که با توجه به این کلام امسلمه، مقصود پیامبر ﷺ از این پاسخ، انکار حضور وی در میان مصادیق آیه تطهیر بوده است، بنابراین این روایات به گونه‌ای با سیاق تعارض دارند که نمی‌توان آنها را با یکدیگر جمع کرد.

برای رسیدن به وجه جمع صحیح این روایات باید به این نکته توجه شود که کلمه «أهل بیت» از جهت لغوی شامل فرزندان و خویشان بسیار نزدیک می‌شود و در این معنا اختلافی نداریم بلکه نزاع ما در تعیین مراد از «أهل البيت» موجود در این آیه است، که شامل چه کسانی می‌شود؟ به نظر نگارنده وجه جمع این روایات فرق گذاشتن میان معنای لغوی اهل بیت و معنای مورد نظر از آن در این آیه شریفه است. در آن روایات متعدد و فراوانی که پیامبر ﷺ حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین را به گرد خود جمع کردند و آیه تطهیر را قرائت نمودند و فرمودند اینها اهل بیت من هستند، حضرت در مقام بیان مراد از «أهل البيت» موجود در این آیه بودند که با معنای لغوی و عرفی آن تفاوت دارد و هیچ یک از همسران و خویشان را در بر نمی‌گیرد، اما اینکه در برخی موارد امسلمه را از اهل بیت خود دانسته‌اند مرادشان «أهل بیت» لغوی بوده است که شامل همسران نیز می‌شود. این وجه جمع میان این روایات، توسط طحاوی (م ۳۲۱ ق) نیز تأیید و مورد قبول واقع شده است. (طحاوی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۴۵ - ۲۴۴)

تفاوت میان معنای لغوی اهل بیت و معنای مورد نظر این آیه با تأمل در گفتار و رفتار پیامبر ﷺ روشن می‌شود. براساس برخی روایات، با اینکه امسلمه در آنجا حضور داشته است اما پیامبر ﷺ او را در ابتدا وارد جمع خود نمی‌کنند بلکه پس از آنکه آیه تطهیر را تلاوت فرمودند و بر مصادیق آن تطبیق دادند و برای

اهل بیت دعا کردند، به او اجازه ورود به کساء می‌دهند و وی را از اهل خود به حساب می‌آورند. البته بدون اینکه آیه را در مورد وی به کار برند و بر او تطبیق دهند و امسلمه به این مسئله تصریح می‌کند. (شیبانی، ۱۴۰۳: ۲ / ۶۸۵) استعمال لفظ اهل بیت در معنای لغوی و عرفی آن مختص به اینجا نبوده و پیامبر ﷺ در موارد دیگری نیز لفظ اهل را در معنای لغوی آن به کار برده‌اند و مرادشان یکی از همسران خود یا برخی خویشاوندان نزدیک بوده است. (بخاری، ۱۴۲۲: ۳ / ۱۷۳)

این وجه جمعی که بیان شد، توسط روایتی از امسلمه که حاکم نیشابوری آن را نقل می‌کند و بنابر مبانی صحیح بخاری آن را صحیح می‌داند و ذهبی (م ۷۴۸ ق) نیز آن را بنابر مبانی صحیح مسلم صحیح دانسته است، تأیید می‌شود. امسلمه از پیامبر ﷺ می‌پرسد: «یا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَنَا مِنَ أَهْلِ الْبَيْتِ؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «إِنَّكَ أَهْلِي خَيْرٌ وَهُؤُلَاءِ أَهْلِي بَيْتِي». (حاکم نیشابوری، بی تا: ۲ / ۴۱۶)

روایت دوم

ألوسی برای اثبات مطلق بودن «اهل البیت» و شامل شدن خویشان و نزدیکان پیامبر ﷺ، به روایتی از پیامبر ﷺ اشاره می‌کند. (ألوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۶) در این روایت، پیامبر ﷺ عباس عموی خود و فرزندان را در ملحفه‌ای در برمی‌گیرد و آنها را اهل بیت خود می‌خواند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي بَيْتِي وَعِترَتِي فَاسْتُرْهُمْ مِنَ النَّارِ كَمَا سَتَرْتَهُمْ بِهَذِهِ السَّمْلَةِ». (طبرانی، بی تا، الف: ۴ / ۲۳۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱ / ۴۷) این روایت از جهت سند اشکالات متعددی دارد و نمی‌تواند مورد قبول علما قرار گیرد؛ زیرا در سندی که ابن قانع بغدادی (م ۳۵۱ ق) برای این روایت آورده است «محمد بن زکریا بن دینار» وجود دارد (بغدادی، ۱۴۱۸: ۲ / ۷۳) که ذهبی وی را از جمله راویان ضعیف می‌داند (ذهبی، ۲۰۰۳: ۶ / ۸۰۳؛ عسقلانی، ۲۰۰۲: ۷ / ۱۳۹) گرچه نجاشی (م ۴۵۰ ق) در رجال خود او را از شیعیان برجسته بصره و از افراد مورد اطمینان و ثقه به حساب آورده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۷ - ۳۴۶) در سندی که طبرانی (م ۳۶۰ ق) در کتاب المعجم الأوسط برای این روایت آورده است «حکم بن البراء» و فرزندش «عبدالرحمن بن حکم» وجود دارند که هر دو مجهولند و نامی از آنها در کتب رجالی اهل سنت نیست. (طبرانی، بی تا، الف: ۴ / ۲۳۵) اما در سندی که طبرانی در کتاب المعجم الکبیر خود آورده است «عبد الله بن عثمان وقاصی» وجود دارد (طبرانی، بی تا، ب: ۱۹ / ۲۶۳) که در نزد ذهبی مجهول است و او را نمی‌شناسد و برخی دیگر نیز او را ضعیف شمرده‌اند.

۱ متن روایت: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِكَ؟ قَالَ: بَلِي، فَادْخُلِي فِي الْكِسَاءِ. قَالَتْ: «فَدَخَلْتُ فِي الْكِسَاءِ بَعْدَ مَا قَضَيْتُ دُعَاءَهُ لِابْنِ عَمِّهِ عَلِيٍّ وَابْنَتَيْهِ وَابْنَتِيهِ فَاطِمَةَ».

(عسقلانی، ۱۳۲۶: ۵ / ۵۱۳ - ۵۱۲) این روایت با چنین سندی در سنن ابن ماجه وجود دارد که ناصرالدین البانی (م ۱۴۲۰ ق) در تعلیقات خود بر سنن ابن ماجه آن را ضعیف دانسته است. (قزوینی، بی تا: ۶۱۴) در سندی که ابونعیم اصبهانی (م ۴۳۰ ق) برای این روایت آورده است علاوه بر آن دو نفر مجهولی که در سند طبرانی در *المعجم الاوسط* بودند، «مروان بن ضرار فزاری» نیز وجود دارد که او هم مجهول است. (اصبهانی، ۱۴۱۹: ۳ / ۱۷۴۶)

اگر این روایت را، با صرف نظر از اشکالات سندی که علمای اهل سنت بر آن وارد کرده‌اند، بپذیریم اشکالی به مدعی ما وارد نمی‌شود؛ زیرا در این روایت پیامبر ﷺ لفظ «أهل بیت» را در معنای لغوی و عرفی آن، که شامل خویشاندان نزدیک است، به کار برده‌اند و ربطی به «أهل البیت» موجود در آیه تطهیر ندارد (مظفر، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۷۳)؛ چرا که هرگاه پیامبر ﷺ در مقام تبیین آیه تطهیر بوده‌اند با قرائت این آیه آن را بر مصادیقش تطبیق می‌کردند، مانند روایت ام سلمه، در حالی که در این روایت هیچ اشاره‌ای به این آیه شریفه نشده است و این نشانه‌ای بر عدم ارتباط این روایت با مصادیق آیه تطهیر است.

روایت سوم

آلوسی در ادعای دیگری مدعی وجود برخی روایاتی شده است که پیامبر ﷺ بقیه دختران و همسران و نزدیکان خود را به اهل کساء (حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) اضافه کرده است و با این عمل آنها را نیز مصداق این آیه معرفی نموده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۶) این ادعا قبل از ایشان توسط ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) در کتاب *الصواعق المحرقة* مطرح شده است. هیتمی می‌گوید: «و فی روایه أنه ضمَّ إلی هؤلاء (أهل الكساء) بقیه بناته وأقاربه وأزواجه». (هیتمی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۲۴) هیتمی به همین جمله اکتفا کرده و هیچ روایتی را برای اثبات این ادعای خود نمی‌آورد و آلوسی نیز، دقیقاً مانند هیتمی فقط به بیان این ادعا اکتفا کرده است. نگارنده در تحقیقات خود و جستجو در کتاب‌های مختلف اهل سنت چنین روایتی را پیدا نکرده است. مؤسسه الرساله بیروت کتاب *تفسیر روح المعانی* آلوسی را با بهترین و جامع‌ترین تحقیق و تخریج، که توسط گروهی از محققان اهل سنت انجام شده است، به چاپ رسانده است و این محققان نیز برای این ادعای آلوسی، هیچ روایتی پیدا نکرده‌اند و تصریح کرده‌اند: «لم نقف علی هذه الروایه» (آلوسی، ۱۴۳۱: ۲۱ / ۳۰۳) همان‌طور که در تحقیق دیگر کتاب *روح المعانی* که در قاهره چاپ شده است، محققان آن نیز چنین روایتی را پیدا نکرده‌اند. (آلوسی، ۱۴۲۶: ۲۲ / ۲۶۰) همچنین محققان مختلفی کتاب *الصواعق المحرقة* را تحقیق کرده‌اند و روایاتی را که مصنف در این کتاب ذکر کرده و یا به وجود آنها اشاره کرده را گردآوری و مصدریابی کرده‌اند اما آنها نیز روایتی برای این ادعا نیافته‌اند. در تحقیقی که توسط عبدالرحمن بن عبدالله الترمذی و

کامل محمد الخراط صورت گرفته است، هیچ حدیثی در ذیل این ادعای هیتمی پیدا نشده است. (هیتمی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۲۴) همچنین در تحقیقی که توسط ابو عبدالله مصطفی بن العدوی و شحات احمد محمد صورت گرفته است، نیز هیچ روایتی برای این ادعای مصنف پیدا نشده است. (هیتمی، ۱۴۲۹: ۴۱۹) همچنین خانم مها بنت عبداللطیف بن عبدالله العبد اللطیف، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ام القری مکه مکرمه، در پایان نامه خود به تحقیق و تخریح احادیث کتاب *الصواعق المحرقة*، زیر نظر عبدالعزیز مرشدی و عبدالله شفیع، اساتید دانشکده «الدعوه و اصول الدین» آن دانشگاه، پرداخته است، وی نیز علی‌رغم تلاش‌های فراوان و قابل تقدیری که برای مصدربابی احادیث این کتاب انجام داده است، هیچ حدیثی برای این ادعای هیتمی پیدا نکرده است. (مها بنت عبداللطیف، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۱: ۳۸۶) بنابراین علی‌رغم تحقیقات فراوان محققان، هیچ روایتی برای این ادعای هیتمی و آلوسی پیدا نشده است.

ادعای عدم روایت صحیح در شأن نزول آیه تطهیر

آلوسی در ادعایی دیگر، با اشاره به روایت ابوسعید خدری، که دلالت بر نزول آیه تطهیر در شأن پنج نفر (پیامبر ﷺ، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین) می‌کند، می‌گوید این روایت دلالت بر حصر ندارد؛ زیرا این روایت فاقد علامات حصر است و عدد نیز مفهوم ندارد و مدعی می‌شود که این روایت صحیح نیست و می‌گوید: در احادیث صحیحی که تا به حال از پیامبر ﷺ در مورد شأن نزول آیات قرآن دیده‌ام، هیچ روایتی به این شکل در مورد آیات قرآن سراغ ندارم. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۷)

بررسی و نقد

ادعای ضعف روایت ابوسعید خدری ادعای صحیحی است و سبب این ضعف حضور «عطیه بن سعد بن جناده عوفی» در سند این روایت است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۶۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۸) که ذهبی وی را ضعیف می‌داند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۵ / ۳۲۵) و برخی از علمای اهل سنت نیز حدیث او را معتبر نمی‌دانند. (مزی، ۱۴۰۰: ۲۰ / ۱۴۹ - ۱۴۵) او در نزد بزرگان رجالی شیعه نیز توثیق و تأیید نشده است. (خویی، ۱۳۷۲: ۱۲ / ۱۶۳) بنابراین روایت فوق دارای اشکال سندی است، اما ضعف سند این روایت موجب حکم به عدم حجیت و کنار گذاشتن آن نمی‌شود؛ زیرا مضمون آن توسط احادیث متعدد و صحیحی که با این مضمون در کتب فریقین وجود دارد تقویت شده و اطمینان به صدور آن حاصل می‌شود و در نتیجه قابل قبول خواهد بود.

آلوسی مدعی شده که در روایات صحیحی که در شأن نزول آیات از پیامبر ﷺ دیده است، چنین روایتی وجود ندارد، در حالی که در روایات متعددی که در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد آمده است که پیامبر ﷺ پس از نزول این آیه بارها آن را قرائت کرده و مصادیق آن را تعیین نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره شد.

همچنین از نظر علمای اهل سنت روایات صحیحی در مورد نزول این آیه وجود دارد، که دلالت می‌کند بر اینکه پیامبر ﷺ از همان ابتدای نزول، همسران خویش را از دایره مصادیق «أهل البيت» خارج دانسته و آن را منحصر در پنج ذات مقدس دانسته است. به‌عنوان نمونه به بیان یکی از این روایات و بررسی تفصیلی سند آن پرداخته می‌شود.

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ، رَبِيبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلِيِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» فِي بَيْتِ امْرَأَتِهِ، فَذَعَا فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَجَلَّلَهُمْ بِكَسَاءٍ وَ عَلِيَّ حَلَفَ ظَهْرَهُ فَجَلَّلَهُ بِكَسَاءٍ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا» قَالَتْ امْرَأَتُهُ: «وَأَنَا مَعَهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ» قَالَ: «أَنْتِ عَلِيٌّ مَكَانِكِ وَأَنْتِ عَلِيٌّ خَيْرٌ». (ترمذی، ۱۳۹۵: ۵ / ۲۵۱)

بررسی راویان حدیث

۱. محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک السلمی ترمذی (م ۲۷۹ ق): ذهبی او را ثقة دانسته و جایگاه وی را بسیار بالا می‌داند و در وصفش می‌گوید: «الْحَافِظُ، الْعَلَمُ، الْإِمَامُ، الْبَارِعُ». (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۳ / ۲۷۰) و ابن حجر عسقلانی نیز وی را یکی از بزرگان حدیث و از او به‌عنوان امام یاد می‌کند. (عسقلانی، ۱۳۲۶: ۹ / ۳۸۷) همچنین علمای مختلف دیگری نیز وی را توثیق کرده‌اند. (مزّی، ۱۴۰۰: ۲۶ / ۲۵۰)

۲. قتیبه بن سعید بن جمیل بن طریف ثقفی (م ۲۴۰ ق): او از راویانی است که بخاری، مسلم، ابوداود، نسایی، ترمذی و ابن‌ماجه از وی روایت نقل کرده‌اند. ذهبی او را توثیق کرده و در وصفش می‌گوید: «شَيْخُ الْإِسْلَامِ، الْمُحَدِّثُ، الْإِمَامُ، الثَّقَّةُ، الْجَوَّالُ، رَاوِيهِ الْإِسْلَامُ». (ذهبی، همان: ۱۱ / ۱۳) ابن‌حجر عسقلانی نیز وی را با عبارت «ثَقَّةٌ ثَبَّتٌ» توثیق نموده است. (عسقلانی، ۱۴۰۶: ۴۵۴)

۳. محمد بن سلیمان بن عبدالله بن الأصبهانی (م ۱۸۱ ق): او از راویانی است که نسایی، ابن‌ماجه و ترمذی از او روایت نقل کرده‌اند. احمد بن عبدالله عجلی (م ۲۶۱ ق) او را توثیق کرده است. (عجلی، ۱۴۰۵: ۲ / ۲۳۹) ابن‌ابی حاتم (م ۳۲۷ ق) نیز می‌گوید: «لَا بَأْسَ بِهِ يَكْتَبُ حَدِيثَهُ وَلَا يَحْتَجُّ بِهِ» (رازی، ۱۳۷۱: ۷ / ۲۶۸) ابن‌حبان (م ۳۵۴ ق) نیز وی را از جمله ثقات دانسته و عبارت «يُخَالِفُ وَيُخْطِئُ» را در موردش به‌کار می‌برد (دارمی، ۱۳۹۳: ۹ / ۵۲) و مقصودش این است که حدیثی که منحصر به او نبوده و دیگران نیز بیان کرده باشند، مورد قبول و حجت است. (البانی، ۱۴۱۲: ۵ / ۴۶۶) ذهبی نیز وی را ثقة می‌داند و احادیثی که منحصر

به وی نباشند را حجت می‌داند. (ذهبی، ۱۴۰۶: ۱۶۲) ابن حجر نیز در موردش می‌گوید: «صدوق یخطی»؛ یعنی راستگو است و احادیث او اگر منحصر به نقل او نباشد مقبول و حجت است. (عسقلانی، ۱۴۰۶: ۴۸۱)
 ۴. یحیی بن عبید المخرومی: او از راویانی است که ابوداود و نسایی از او روایت نقل کرده‌اند. ذهبی و ابن حجر و همچنین ابن حبان و نسایی نیز وی را توثیق کرده‌اند. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۷۱؛ عسقلانی، ۱۳۲۶: ۱۱ / ۲۵۴؛ دارمی، ۱۳۹۳: ۵ / ۵۲۹؛ مزّی، ۱۴۰۰: ۳۱ / ۴۵۵)

۵. عطاء بن ابی رباح القرشی: وی از راویانی است که بخاری، مسلم، ابوداود، نسایی، ترمذی و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند. ذهبی او را ثقه دانسته و از او به عنوان «الإمام، شیخ الإسلام» و «کان حجه إماما کبیر الشأن» تعبیر می‌کند. (ذهبی، ۱۴۰۵: ۵ / ۷۸؛ همان، ۱۳۸۲: ۳ / ۷۰) ابن حجر عسقلانی نیز وی را ثقه دانسته و با عبارت «ثقه فقیه فاضل» از او یاد می‌کند. (عسقلانی، ۱۴۰۶: ۳۹۱) ابن حبان نیز وی را در زمره ثقات آورده است. (دارمی، ۱۳۹۳: ۵ / ۱۹۸)

۶. عمر بن ابی سلمه: او فرزند ام سلمه و پرورش یافته خانه پیامبر ﷺ است. بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند. ذهبی و ابن حجر او را صحابی پیامبر ﷺ دانسته‌اند و کلام صحابی در نزد آنها معتبر است و طبق گفته ذهبی وی دو سال قبل از هجرت در حبشه متولد شد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ۳ / ۴۰۶؛ عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱۴۳) ابن حبان نیز او را از جمله ثقات می‌داند. (دارمی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۶۳)

بنابراین از شش راوی این روایت، پنج راوی ثقه هستند. محمد بن سلیمان نیز راستگو است و روایتش در صورتی که منحصر به وی نباشد مورد قبول است و این روایت منحصر به وی نبوده و از افراد دیگری به سند معتبر نیز نقل شده است. (آجری، ۱۴۲۰: ۴ / ۲۰۹۵)^۱ بنابراین همان طور که البانی نیز تصریح نموده است، این روایت صحیح است. (البانی، ۱۴۲۰: ۳ / ۳۰۶)

ادعای عدم دلالت بر حصر

آلوسی بر فرض پذیرش این روایات و اذعان به صحت آنها، منکر دلالت این روایات بر حصر مصادیق «أهل البيت» در این پنج ذات مقدس است و معتقد است که این روایات بیانگر بخشی از مصادیق «أهل البيت» است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۷)

۱. همه راویان این روایت معتبر و حدیثشان مقبول است و عمره همدانی، راوی اصلی این روایت، نیز که برخی از علمای اهل سنت هیچ جرح و تعدیلی در مورد وی نیاورده‌اند، توسط عجلی توثیق شده است. (عجلی، ۱۴۰۵: ۲ / ۴۵۷).

بررسی و نقد

این ادعای آلوسی نیز بی‌اساس و باطل است؛ زیرا پیامبر ﷺ در روایات متعددی به تبیین مصادیق این آیه پرداخته‌اند (بنگرید به: تستری، بی‌تا: ۲ / ۵۴۷ - ۵۰۲، ۹ / ۶۹ - ۱، ۱۸ / ۳۸۳ - ۳۵۹) و نه تنها در هیچ موردی آن را بر اشخاص دیگری، غیر از این ذوات مقدس، تطبیق ندادند بلکه در برخی موارد از ورود دیگران به این دایره نیز جلوگیری کردند.

پیامبر اکرم ﷺ از همان ابتدای نزول آیه اصرار زیادی بر بیان مراد از «أهل البيت» موجود در آن داشتند و طبق روایت انس بن مالک، پیامبر ﷺ به مدت شش ماه هر روز صبح جلوی درب خانه حضرت علی ﷺ و فاطمه ﷺ می‌ایستادند و این آیه را قرائت می‌کردند و اهل خانه را با عبارت «یا أهل البيت» خطاب می‌فرمودند. (ترمذی، ۱۳۹۵: ۵ / ۳۵۲؛ شیبانی، ۱۴۲۱: ۲۱ / ۲۷۳) و طبق روایت ابوسعید خدری، که آلوسی آن را پذیرفته است، پیامبر ﷺ به مدت هشت ماه این آیه را مقابل خانه حضرت علی ﷺ قرائت نمود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۵۹۲) از سویی دیگر، با وجود اینکه این آیه در فضیلت «أهل البيت» نازل شده و افتخار بزرگی برای آن‌ها است، اما با این حال، همسران و خویشان نزدیک پیامبر ﷺ نه تنها خود را مصداق این آیه ندانسته‌اند بلکه برخی همسران پیامبر ﷺ مانند ام سلمه و عایشه به خارج بودنشان از دایره مصادیق این آیه اشاره کرده‌اند. ام سلمه نیز علی‌رغم اشتیاق زیادی که به حضور در میان اهل کساء و مصادیق «أهل البيت» داشت، پیامبر ﷺ به او اجازه ورود ندادند تا جایی که ام سلمه تصریح می‌کند: «قسمتی از کساء را بالا زدم تا وارد آن شوم اما پیامبر ﷺ آن را از دست من کشید و مانع ورود شد و فرمود: «إِنَّكَ عَلَيَّ حَيْرٌ». (شیبانی، ۱۴۲۱: ۴۴ / ۳۲۷؛ طبرانی، بی‌تا، ب: ۳ / ۵۳؛ آجرّی، ۱۴۲۰: ۵ / ۲۲۰۸)

همچنین عایشه در روایتی، که البانی آن را صحیح دانسته (تبریزی، ۱۹۸۵: ۳ / ۱۷۳۱) می‌گوید: «خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاهُ وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ، مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدَخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدَخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَدَخَلَهُ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (نيسابوری، بی‌تا، مسلم: ۴ / ۱۸۸۳) در این روایت عایشه تصریح می‌کند که پیامبر ﷺ آیه تطهیر را فقط بر این افراد تطبیق دادند و با اینکه عایشه در آنجا حضور داشته است اما پیامبر ﷺ وی را داخل در عباي خود نکرده و مصداق این آیه ندانسته است. بنابراین با در نظر گرفتن همه این شواهد و قرائن در کنار روایات پیامبر ﷺ، بدیهی است که از آن روایات انحصار مصادیق آیه تطهیر در پنج ذات مقدس بدست می‌آید.

باتوجه به مجموعه گفتار و رفتار پیامبر ﷺ در توضیح آیه تطهیر و تبیین مصادیق «أهل البيت»، تفاوت میان معنای لغوی اهل بیت و معنای مراد از آن در این آیه مشخص می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۲)

آلوسی همان‌طور که به تفاوت میان معنای لغوی «أهل» و معنای موردنظر از آن در آیه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه / ۱۳۲) توجه نموده و مصادیق «أهل» موجود در این آیه را تنها با استناد به یک روایت که حاکی از مداومت هشت ماهه پیامبر بر قرائت آیه تطهیر در مقابل درب خانه حضرت علی علیه السلام است، منحصر در حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هم دانسته است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۵۹۲) و همچنین میان معنای اصطلاحی «أهل‌بیت» و معنای موردنظر از آن در روایت ثقلین تفاوت قائل شده و واژه «أهل‌بیت» موجود در روایت ثقلین را مختص به عده خاصی از نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است (همان: ۱۱ / ۱۹۷)، باید به تفاوت میان این دو معنا در مورد «أهل‌البیت» موجود در آیه تطهیر نیز توجه می‌نمود.

شایان ذکر است که پذیرش منحصر بودن مصادیق «أهل‌البیت» در اصحاب کساء موجب نفی ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد از خود، که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد امر و نهی قرار داده است، نمی‌شود و این آیه در مقام تعلیل برای امر و نهی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است؛ یعنی دلیل اینکه خدای متعال همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به‌طور خاص مورد امر و نهی قرار می‌دهد و به آنها توجه ویژه‌ای می‌کند این است که آنها مرتبط با ذوات مقدسی هستند که در اوج پاکی و عصمت قرار دارند به‌گونه‌ای که خدا نمی‌خواهد حتی به‌خاطر گناه و اشتباه اشخاص مرتبط با این ذوات مقدس، آلودگی و عیبی به آنها برسد. بنابراین خدا می‌فرماید شما مانند زنان دیگر نیستید؛ زیرا شما با اهل‌بیت عصمت و طهارت مرتبط هستید و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشید؛ چرا که خطا و گناه شما موجب کسر شأن این ذوات مقدس می‌شود. (مظفر، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۷۳) خداوند با این آیه میان اهالی خانه ظاهری و مادی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهالی خانه معنوی و در اوج پاکی و عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله رابطه ایجاد کرده است و این آیه در موضع حقیقی و وحیانی خود قرار دارد و هیچ تغییر و جابجایی صورت نگرفته است. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۴ / ۱۱۲)

نتیجه

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که مراد از «أهل‌البیت» در آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است و مصادیق این آیه منحصر در این پنج ذات مقدس است و پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ شخص دیگری را در دایره مصادیق آن داخل نفرموده است. تمسک به سیاق، که توسط آلوسی در مصداقیابی «أهل‌البیت» صورت گرفته است و به مقتضای آن همسران و دیگر فرزندان و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله را داخل در مصادیق این آیه دانسته است، در مورد این آیه صحیح نیست؛ چرا که علمای تفسیر، در جایی که روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در ذیل آیه وجود داشته باشد، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله را مقدم بر تمسک به سیاق

آیات می‌دانند.

پیامبر اکرم ﷺ از ابتدای نزول این آیه با صراحت کامل به تبیین مصادیق «أهل البيت» در اصطلاح قرآنی مقصود در این آیه، پرداختند و طبق احادیث متواتری که در کتب فریقین وجود دارد و از نظر علماء اهل سنت صحیح دانسته شده‌اند، آن را محصور در اهل کساء (پیامبر ﷺ، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسن ﷺ) دانسته‌اند و همان‌طور که برخی همسران پیامبر ﷺ نیز تصریح کرده‌اند، آن حضرت هیچ یک از همسران خود را مصداق این آیه ندانستند. پیامبر ﷺ بارها این آیه را در مورد این ذوات مقدس (حضرت علی، فاطمه، حسن و حسن ﷺ هم) تلاوت نمودند و در طول ماه‌های متعددی به تطبیق این آیه بر آنها اقدام نمودند تا جای هیچ شک و تردیدی باقی نماند. پیامبر اکرم ﷺ در مواردی، اشخاص دیگری را نیز از اهل خود به‌شمار آورده‌اند که در این گونه موارد این لفظ را در معنای لغوی آن به‌کار برده‌اند و هیچ ربطی به‌معنای مقصود از آن در این آیه شریفه ندارد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آجری، محمد بن حسین، ۱۴۲۰ ق، الشریعه، تحقیق عبد الله بن عمر دمیجی، ریاض، دار الوطن.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبد الباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- _____، ۱۴۲۶ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق السید محمد السید و سید ابراهیم عمران، قاهره، دار الحدیث.
- _____، ۱۴۳۱ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق قاهر حبّوش و احمد طاس حسن، بیروت، مؤسسه الرساله.
- البانی، ناصرالدین، ۱۴۲۰ ق، صحیح سنن الترمذی، ریاض، مکتبه المعارف.
- _____، ۱۴۱۲ ق، سلسله الأحادیث الضعیفه، ریاض، دار المعارف.
- اصبهانی، أحمد، ۱۴۱۹ ق، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف عزازی، ریاض، دار الوطن.
- اندلسی، أبوحیان، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.

- بخاری، محمد بن إسماعیل، ١٤٢٢ ق، *صحیح البخاری*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة.
- بغدادی، عبدالباقی، ١٤١٨ ق، *معجم الصحابه*، تحقیق صلاح بن سالم مصراتی، مدینه، مکتبه الغرباء الأثریه.
- بیضاوی، عبدالله، ١٤١٨ ق، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بیهقی، أحمد، ١٤٢٤ ق، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- تبریزی، ابو عبدالله، ١٩٨٥، *مشکاه المصابیح*، تحقیق ناصر الدین الألبانی، بیروت، المکتب الإسلامی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ١٣٩٥ ق، *سنن الترمذی*، تحقیق أحمد محمد شاکر و دیگران، مصر، مطبعه مصطفی البابی الحلبي.
- تستری، نورالله، بی تا، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، تعلیقات شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- جوزیه، ابن قیّم، بی تا، *بدائع الفوائد*، بیروت، دار الکتب العربی.
- حیدری، کمال، ١٤٢٤ ق، *العصمه*، قم، دار فراقد.
- خویی، سید ابو القاسم، ١٣٧٢، *معجم رجال الحدیث*، قم، نشر الثقافه الاسلامیه.
- دارمی، محمد بن حبان، ١٣٩٣ ق، *الثقات*، حیدرآباد دکن، دائره المعارف العثمانیه.
- دمشقی، إسماعیل بن عمر، ١٤١٩ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد بن أحمد، ١٣٨٢ ق، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه.
- _____، ١٤٠٥ ق، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق گروهی از محققان، زیر نظر شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله.
- _____، ١٤٠٦ ق، *ذکر أسماء من تکلم فيه وهو موثق*، تحقیق محمد شکور بن محمود المیادینی، زرقاء، مکتبه المنار.
- _____، ١٤١٣ ق، *الکاشف*، تحقیق: محمد عوامه و أحمد محمد نمر الخطیب، جدّه، دار القبلة.
- _____، ٢٠٠٣ م، *تاریخ الإسلام*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- رازی، عبدالرحمن، ١٣٧١ ق، *الجرح والتعدیل*، حیدرآباد دکن، مجلس دائره المعارف العثمانیه.

- رازی، أبوبکر، ۱۴۱۵ ق، أحكام القرآن، تحقیق عبد السلام محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- زرکشی، محمد، ۱۳۷۶ ق، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبوالفضل إبراهیم، بیروت، دار إحياءالکتب العربیه.
- _____، ۱۴۱۴ ق، البحر المحيط فی أصول الفقه، قاهره، دار الکتبی.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- _____، ۱۳۹۴ ق، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبوالفضل إبراهیم، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- شیبانی، أحمد بن حنبل، ۱۴۰۳ ق، فضائل الصحابه، تحقیق وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسه الرساله.
- _____، ۱۴۲۱ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق شعيب الأرنؤوط و دیگران، بیروت، مؤسسه الرساله.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان، بی تا الف، المعجم الأوسط، تحقیق طارق بن عوض الله و عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی، قاهره، دار الحرمین.
- طبرانی، سلیمان، بی تا ب، المعجم الكبير، تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محب الدین، ۱۳۵۶ ق، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره، مکتبه القدسی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۲۰ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق أحمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسه الرساله.
- طحاوی، أحمد، ۱۴۱۵ ق، شرح مشکل الآثار، تحقیق شعيب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- طوفی، سلیمان بن عبد القوی، ١٤٠٧ ق، شرح مختصر الروضه، تحقیق عبدالله بن عبد المحسن التركي، بیروت، مؤسسه الرساله.
- عجلی، أحمد، ١٤٠٥ ق، معرفه الثقات، تحقیق عبدالعلی ام البستوی، مدینه، مکتبه الدار.
- عسقلانی، ابن حجر، ١٣٢٦ ق، تهذیب التهذیب، هند، دائره المعارف النظامیه.
- _____، ١٤٠٦ ق، تقریب التهذیب، تحقیق: محمد عوامه، سوریه، دار الرشید.
- _____، ٢٠٠٢ م، لسان المیزان، تحقیق عبدالفتاح أبوغده، بیروت، دار البشائر الإسلامیه.
- قرطبی، محمد، ١٣٨٤ ق، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق أحمدالبردونی و إبراهيم أطفیش، قاهره، دار الکتب المصریه.
- قزوینی، امیر محمد، ١٤٢٠ ق، الآلوسی و التشیع، قم، مرکز الغدیر.
- قزوینی، محمد بن ماجه، بی تا، سنن ابن ماجه، تعلیقات ناصرالدین البانی، ریاض، مکتبه المعارف.
- مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، ١٤٠٠ ق، تهذیب الکمال، تحقیق بشارعواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مظفر، محمد حسن، ١٤٢٢ ق، دلائل الصدق، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- موصلی، أبو یعلی، ١٤٠٤ ق، مسند أبی یعلی، تحقیق حسین سلیم أسد، دمشق، دار المأمون.
- مها بنت عبداللطیف بن عبدالله العبد اللطیف، موضوع پایان نامه: *الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه من اول خلافه عمر بن الخطاب إلى نهایه الفصل الأول من الآيات الواردة فیهم و شرحها*، استاد راهنما: عبدالعزیز المرشدی و عبدالله شفیع، دانشگاه ام القری، دانشکده الدعوه و اصول الدین، مکه، سال تحصیلی: ١٤٢٢ - ١٤٢١ ق.
- نجاشی، احمد، ١٤٠٧ ق، رجال النجاشی، تصحیح موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نخبه من علماء التفسیر، ١٤٣١ ق، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، زیر نظر مصطفی مسلم، شارقه، جامعه الشارقه.
- نسفی، عبدالله، ١٤١٩ ق، مدارک التنزیل، تحقیق یوسف علی بدیوی، بیروت، دار الکلم الطیب.
- نيسابوری، أبو عبدالله، بی تا، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه.
- نيسابوری، مسلم بن حجاج، بی تا، صحیح مسلم، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقي، بیروت، دار إحياء التراث.

- هیتمی، أحمد بن محمد، ۱۴۱۷ ق، *الصواعق المحرقة*، تحقیق عبدالرحمن بن عبدالله التركي و کامل محمد الخراط، بیروت، مؤسسه الرساله.

- _____، ۱۴۲۹ ق، *الصواعق المحرقة*، تحقیق شحات احمد محمد و عادل شوشه، مصر، مکتبه فیاض.

- فکری، مسعود، ۱۳۸۴، *پندارها و پاسخها: نقدی بر تفسیر روح المعانی در زمینه آیات مربوط به اهل بیت*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

ب) مقاله‌ها

- حسن وندی، محسن و مهدی اکبرنژاد، ۱۳۹۰، «بررسی و نقد دیدگاه آلوسی در مورد آیه تطهیر»، کتاب قیم، ش ۳، ص ۱۲۸ - ۱۱۱، یزد، دانشگاه یزد.

- عبدالله، زید عمر، ۱۴۲۳ ق، «السياق القرآنی و أثره فی الكشف عن المعانی»، *مجله جامعه الملک سعود*، العلوم التربویه والدراسات الإسلامیه، ش ۱۵، ص ۸۳۷ - ۸۷۷، ریاض، جامعه الملک سعود.

- عروی، محمد اقبال، ۱۴۲۸ ق، «السياق فی الاصطلاح التفسیری مفهومه ودوره الترجمی»، *الإحیاء*، ش ۲۶، ص ۹۱ - ۷۸، ریاض، الرابطة المحمدیه للعلماء.

- کنعانی، سید حسین، ۱۳۸۴، «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، *مشکوه*، ش ۸۷، ص ۴۲ - ۲۸، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

